

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **قادرطلائی تقی‌دیزج** دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی **زبان و ادبیات فارسی** گرایش **زبان و ادبیات فارسی** دانشکده‌ی **علوم انسانی** دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی **۹۲/۶/۱۲** از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان **تحلیل عزاداران بَیَل غلامحسین ساعدی** دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به‌عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- (۲) مسئولیت صحّت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- (۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- (۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- (۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- (۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- (۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **قادرطلائی تقی‌دیزج**

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تحلیل عزاداران یَیل غلامحسین ساعدی

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم رنجبر

استاد مشاور:

دکتر بیژن ظهیری

پژوهشگر:

قادرطلایی تقی‌دیزج

شهریور ۱۳۹۲



دانشکده‌ی علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تحلیل عزاداران بَیَل غلامحسین ساعدی

پژوهشگر:

قادرطلائی تقی‌دیزج

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی.....

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رییس کمیته‌ی داوران	دانشیار	ابراهیم رنجبر
	استاد مشاور	دانشیار	بیژن ظهیری
	داور	دانشیار	خدابخش اسدالهی

شهریور ۹۲

تقدیم به:

به پدرم که صبوری را به من آموخته است...

به مادرم که قلب مهربانش مثل دستهای عزیزش همیشه برای من می لرزد...

به برادرانم که کوه قاتشان جایی است از گزند کولاک زمانه برای کوره راه زندگی

من...

به خواهرم که طعم غربت ذائقه اش را عوض نکرده است و هنوز یاد من برایش

شیرین است...

سپاسگزاری

سپاس از خداوندی که مرایه‌ی فرمود و دریغ یک از مراحل زندگی تنه‌ایم گذاشت. تشکر از آقای دکتر ابراهیم رنجبر که زحمت راهنمایی این پژوهش را تقبل کردند و مرا با تمام کم‌ی‌هاو کاستی‌هایم تحمل کردند و جو را هنمایی این پایان‌نامه را کشیدند.

از آقای دکتر یشین ظهیری که زحمت مشاوره‌ی این پژوهش را بر عهده گرفتند و یاری کردند. از آقای حسین احدی که وقت گذاشتند و در تحلیل این اثر، نکاتی را برایم گوشزد کردند. .. و هم چنین از آقای رضا پزیرا و تمام کسانی که مراد نوشتن این بررسی‌یاری دادند کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

نام خانوادگی دانشجو: طلایی تقی‌دیزج نام: قادر	
عنوان پایان‌نامه: تحلیل عزاداران بیل غلامحسین ساعدی	
استاد راهنما: دکتر ابراهیم رنجبر استاد مشاور: دکتر بیژن ظهیری	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
گرایش: محض	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: علوم انسانی	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲//۱۲
	تعداد صفحات: ۱۵۶
چکیده:	
<p>غلامحسین ساعدی از داستان‌نویسان بزرگ است. با توجه به این که او روان پزشک بود، اغلب داستان‌های او جنبه‌ی روان شناختی دارد. در این پژوهش مجموعه داستان عزاداران بیل او را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌ایم. روال کار به این ترتیب است که ابتدا، تمامی هشت داستان موجود در این مجموعه را به صورت جداگانه، از لحاظ عناصر داستانی بررسی کرده‌ایم و با توجه به این که نشانه‌هایی از رئالیسم جادویی در تمام قصه‌های او هست، مخصوصاً در قصه‌ی چهارم و هفتم، آن را هم نقد و بررسی کرده‌ایم و در پایان پس از تحلیل عناصر داستانی و بررسی نکات برجسته‌ای چون رئالیسم جادویی و رئالیسم، به این نتیجه رسیدیم که ساعدی با بکارگیری عناصر داستانی همچون: شخصیت، گفتگو، لحن و صحنه و طرح و غیره... در گسترش موضوع اصلی خود (فقر) در این مجموعه، موفق عمل کرده است و هنر داستان نویسی او در این مجموعه داستان، مخصوصاً در بکارگیری رئالیسم جادویی، به وضوح دیده می‌شود.</p>	
کلید واژه‌ها: غلامحسین ساعدی، تحلیل، عناصر داستانی، عزاداران بیل، رئالیسم جادویی	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات و مبانی نظری	
۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- بیان مسأله.....	۴
۳-۱- سؤالات اصلی پژوهش.....	۵
۴-۱- فرضیات پژوهش.....	۶
۵-۱- اهداف پژوهش.....	۶
۶-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۶
۷-۱- پیشینه ی پژوهش.....	۶
۸-۱- مواد و روششناسی پژوهش.....	۷
۹-۱- مبانی نظری.....	۷
فصل دوم: بحث و نتیجه گیری	
۱-۲- قصه اول.....	۲۳
۱-۱-۲- خلاصه داستان.....	۲۴
۲-۱-۲- موضوع.....	۲۴
۳-۱-۲- مضمون.....	۲۵
۴-۱-۲- شخصیت.....	۲۶
۵-۱-۲- طرح.....	۳۵
۶-۱-۲- گفتگو.....	۳۷
۷-۱-۲- صحنه و زمینه.....	۳۸
۸-۱-۲- زاویه دید.....	۳۹
۹-۱-۲- لحن.....	۴۰
۱۰-۱-۲- نثر رئالیسم.....	۴۰
۲-۲- قصه دوم.....	۴۳
۱-۲-۲- خلاصه داستان.....	۴۳
۲-۲-۲- موضوع.....	۴۴
۳-۲-۲- مضمون.....	۴۴
۴-۲-۲- شخصیت.....	۴۶
۵-۲-۲- طرح.....	۵۴
۶-۲-۲- گفتگو.....	۵۷
۷-۲-۲- صحنه و زمینه.....	۵۸
۸-۲-۲- زاویه دید.....	۶۰
۹-۲-۲- لحن.....	۶۱
۱۰-۲-۲- حقیقت ماندی.....	۶۲
۱۱-۲-۲- جایگاه رئالیسم.....	۶۳
۳-۲- قصه سوم.....	۶۵

۶۵.....	۱-۳-۲- خلاصه داستان.....
۶۶.....	۲-۳-۲- موضوع.....
۶۶.....	۳-۳-۲- مضمون.....
۶۸.....	۶-۳-۲- شخصیت.....
۷۳.....	۵-۳-۲- طرح داستان.....
۷۵.....	۶-۳-۲- گفتگو.....
۷۶.....	۷-۳-۲- زمینه و صحنه.....
۷۷.....	۸-۳-۲- زاویه دید.....
۷۸.....	۹-۳-۲- لحن.....
۷۸.....	۴-۲- قصه چهارم.....
۷۸.....	۱-۴-۲- خلاصه داستان.....
۷۹.....	۲-۴-۲- موضوع.....
۷۹.....	۳-۴-۲- مضمون.....
۸۱.....	۵-۴-۲- شخصیت.....
۸۷.....	۵-۴-۲- طرح.....
۸۹.....	۶-۴-۲- گفتگو.....
۹۰.....	۷-۴-۲- زمینه و صحنه.....
۹۱.....	۸-۴-۲- زاویه دید.....
۹۲.....	۹-۴-۲- لحن.....
۹۲.....	۱۰-۴-۲- رئالیسم جادویی.....
۹۵.....	۵-۲- قصه پنجم.....
۹۵.....	۱-۵-۲- خلاصه داستان.....
۹۶.....	۲-۵-۲- موضوع.....
۹۶.....	۳-۵-۲- مضمون.....
۹۸.....	۶-۵-۲- شخصیت.....
۱۰۴.....	۵-۵-۲- طرح.....
۱۰۶.....	۶-۵-۲- گفتگو.....
۱۰۷.....	۷-۵-۲- زمینه قصه.....
۱۰۸.....	۸-۵-۲- زاویه دید.....
۱۰۸.....	۹-۵-۲- لحن.....
۱۰۹.....	۶-۲- قصه ششم.....
۱۰۹.....	۱-۶-۲- خلاصه داستان.....
۱۰۹.....	۲-۶-۲- موضوع.....
۱۱۰.....	۳-۶-۲- مضمون.....
۱۱۲.....	۴-۶-۲- شخصیت.....
۱۱۸.....	۵-۶-۲- طرح.....
۱۱۹.....	۶-۶-۲- گفتگو.....

۱۲۱ زاویه دید..... ۷-۶-۲
۱۲۱ لحن..... ۸-۶-۲
۱۲۲ قصه هفتم..... ۷-۲
۱۲۲ خلاصه داستان..... ۱-۷-۲
۱۲۲ موضوع..... ۲-۷-۲
۱۲۲ مضمون..... ۳-۷-۲
۱۲۵ شخصیت..... ۴-۷-۲
۱۳۰ طرح..... ۵-۷-۲
۱۳۲ گفتگو..... ۶-۷-۲
۱۳۳ زمینه و صحنه..... ۷-۷-۲
۱۳۴ زاویه دید..... ۸-۷-۲
۱۳۵ لحن..... ۹-۷-۲
۱۳۶ رئالیسم جادوئی..... ۱۰-۷-۲
۱۳۷ قصه هشتم..... ۸-۲
۱۳۷ خلاصه داستان..... ۱-۸-۲
۱۳۸ موضوع..... ۲-۸-۲
۱۳۸ مضمون..... ۳-۸-۲
۱۴۰ شخصیت..... ۴-۸-۲
۱۴۷ طرح..... ۵-۸-۲
۱۴۹ گفتگو..... ۶-۸-۲
۱۵۰ زمینه و صحنه..... ۷-۸-۲
۱۵۱ زاویه دید..... ۸-۸-۲
۱۵۲ لحن..... ۹-۸-۲
۱۵۳ نتیجه گیری..... ۹-۲
۱۵۵ منابع و مأخذ.....
۱۶۱ چکیده انگلیسی.....

فصل اول

کلیات و مبانی نظری

۱-۱- مقدمه

در بحث از ادبیات مدرن و امروزی، داستان و داستان‌نویسی نسبت به سایر انواع ادبی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ادبیات ایرانی که در گذشته بیشتر با شعر و نثر شاعران و نویسندگان شناخته می‌شد، در عصر مدرن امروزی به واسطه‌ی آشنایی نویسندگان و مترجمان با ترجمه‌ها و نیز سفر به اروپا رنگ دیگری به خود گرفته است و توجه به داستان و داستان‌نویسی تا حدی جای شعر و شاعری را گرفته است. داستان‌نویسی که ابتدا با سید محمدعلی جمالزاده به صورت رسمی در ایران رواج پیدا کرد، کم‌کم جای پای محکمی را در ادبیات امروزی برای خود باز کرده است.

اما داستان کوتاه که ابتدا به صورت رئالیستی توسط جمالزاده نوشته شد و بعدها با بزرگانی چون بزرگ‌علوی و آل‌احمد و غیره ادامه یافت، دارای رنگ و بوی سنتی بود و یادآور متون کهن: «به این معنی که ضمن نشانه‌های استفاده از عناصر و شیوه‌ی اروپایی به درجات گوناگون در نثر آنان رنگ و بوی آثار کهن فارسی دیده می‌شود» (یا حقی، ۱۳۸۵: ۲۶۴). که کم‌کم با ظهور نسل جدید در دوره‌های بعدی این ویژگی رنگ باخت و ادبیات ایران به اوج درخشش خود به خصوص در زمینه داستان‌نویسی رسید. دهه‌ی چهل که خفگان سیاسی بر جامعه حاکم بود و به خصوص پس از کودتا مردم به انزوا رفته بودند و سکوت بر جامعه حکم فرما بود، دهه‌ای است که نویسندگان بزرگی چون: **سیمین دانشور** و **غلامحسین ساعدی** ظهور می‌کنند. در واقع دهه‌ی شکوفایی ادبیات داستانی ایران است: «سال‌های چهل نه فقط برای ساعدی، بلکه برای بسیاری از کوشندگان حوزه‌های هنری و ادبی، دهه‌ی شکوفایی است» (مجبایی، ۱۳۷۸: ۳۴).

ساعدی که بیشتر به نمایشنامه‌نویسی معروف است بیشترین آثارش را در چنین وضعیتی و در این دهه به چاپ رسانده است و پرکارترین عمرش در این دهه رقم می‌خورد. دهه‌ای که جامعه در فقر و نداری و مصیبت غوطه می‌خورد و بیگانگان استعمارگر هم بر این مسأله دامن می‌زنند و کسی هم حق اعتراض ندارد. در چنین شرایطی نویسنده روان پزشک، دست به قلم می‌برد و عمق درد جامعه را با زبانی سمبلیک و نمادین بیان می‌کند و به جرأت می‌توان گفت که معروف‌ترین نویسنده، هم در زمینه‌ی

نمایشنامه و هم در زمینه‌ی داستان‌نویسی و رمان، در این دهه غلامحسین ساعدی است: «سعدی نخستین نام بزرگ دهه‌ی ۱۳۴۰، نویسنده‌ای سخت کوش است و آثار فراوانش گستره‌ی وسیعی از داستان و نمایشنامه گرفته تا تک نگاری‌های اجتماعی، اقتصادی را در بر می‌گیرد» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۵۰۸). و این امر وام‌دار سبک و نوشته و اندیشه‌ی متفاوت غلامحسین ساعدی است. او رئالیسم جادویی را وارد داستان ایران می‌کند. **مجبایی** به نقل از **شاملو** می‌گوید: «در آن محیط صد سال تنهایی» جا می‌افتد در این محیط «عزاداران بیل» که گفتم از این لحاظ و به خصوص در این اثر، ساعدی پیش قدم مارکز است» (مجبایی، ۱۳۷۸: ۳۲). ساعدی کسی است که حتی بر بزرگی چون مارکز، پیش قدم است او با رئالیسم جادویی، داستان ایران را وارد مرحله‌ی جدیدی می‌کند؛ (داستانی که همه چیز در آن واقعی است و یک چیز غریب و جادویی مسیر داستان را عوض می‌کند). او هم چنین روان پزشک است؛ بنابراین او با نفوذ به درون شخصیت‌ها و تحلیل روانی آن‌ها، توانسته است که آثار بزرگی چون عزاداران بیل را بنویسد و به شیوه‌ای گرایش پیدا کند که در اصطلاح به آن رمان روانی یا روانشناختی می‌گویند: «رمانی که به تحلیل و تجسم حالت‌های پیچیده‌ی ذهن و خصوصیات درونی اشخاص می‌پردازد و انگیزه‌های پنهان در رفتار قهرمان را مورد توجه و بازشناسی قرار می‌دهد» (یاحقی، ۱۳۸۵: ۲۷۶). تا جنون و جهل و خرافه ناشی از فقر آدم‌ها را با روانکاوی آن‌ها به تصویر بکشد.

عزاداران بیل، موفق‌ترین و بهترین اثر غلامحسین ساعدی محسوب می‌شود که با نثری ساده و به سبک رئالیسم و رئالیسم جادویی نوشته شده است و در دهه‌ی چهل، در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسیده است. این کتاب که حاصل سفر ساعدی به آذربایجان و دیدن مناطق مختلف روستایی و فقیرنشین است، بیشتر خواننده را با جهل و جنون و خرافه و درد و فقر و مصیبت آن روزگار آشنا می‌کند و از به یادماندنی‌ترین کتاب‌ها محسوب می‌شود: «با وجود این که گذر زمان به بسیاری از داستان‌های روستایی سال ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ گرد فراموشی پاشیده است، عزاداران بیل همچنان اثری پرخواننده و پدیدآورنده‌ی یک جریان ادبی خاصی است» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۵۱۱).

«مجموعه داستان عزاداران بیل در فاصله ۴۳-۵۶ دوازده بار چاپ شده است با بیش از پنجاه هزار خواننده و این یک رکورد عجیب برای قصه‌های کوتاه است» (مجبایی، ۱۳۷۸: ۲۸).

و این اهمیتی که عزاداران بیل در بین خواننده پیدا کرده است ناشی از این است که ساعدی هم در آن جریان خاص رئالیسم جادویی را وارد کرده و هم در آن، به روح و روان آدم‌ها پرداخته و هم به

توصیف توده‌ی فقیرنشین جامعه پرداخته است. بنابراین بر آن شدیم که این کتاب ارزشمند را بررسی کنیم و مضمون‌هایی را که در درون شخصیت‌ها و طرح داستان و زمینه‌ها و صحنه‌ها نهفته است برای خواننده آشکار کنیم. چرا که ساعدی این کتاب را به خاطر خفگیان سیاسی آن زمان با نماد و سمبل و ایما و اشاره نوشته است و بنده لازم دانستم که در این بررسی با زبانی ساده، پرده از نکات و هدف و گفته‌های ساعد بردارم و منظور ساعدی را که در شخصیت‌ها و سایر عناصر نهفته شده‌اند برای خواننده آشکار سازم تا راه برای بررسی سایر آثار او آسان‌تر شود. به امید آن‌که راهگشای کوچکی در دریای وسیع نوشته‌های ساعدی باشیم.

۱-۲- بیان مسأله

تحقیق و نقد و بررسی در دوره‌ی ادبیات معاصر ما نسبت به ادبیات کلاسیک خیلی کم است. مخصوصاً تعداد رمان‌ها و داستان‌ها در میان پژوهش‌های کار شده، اندک‌اند. و در این میان رمان‌های غلام‌حسین ساعدی و عزاداران بیل او که اوج آفرینش‌های ادبی او محسوب می‌شود، از این قضیه مستثنی نیست.

در اهمیت این نویسنده و آثارش: «انصاف باید داد که بسیاری از شخصیت‌های مجموعه عزاداران بیل، مانند مش حسن در داستان گاو و مش اسلام، از به یاد ماندنی‌ترین و واقعی‌ترین چهره‌های ادبیات داستانی ما هستند و این نکته وام‌دار توجه بسیار به تجزیه و تحلیل و بازتاب‌های روانی قهرمانان آثار اوست که به خوبی تاثیر حرفه‌ی وی را در هنر او آشکار می‌کند» (صبور، ۱۳۸۴: ۴۷۶).

مهدی پورعمرانی در بخش اول کتاب خود در پیش زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ادبی ساعدی چهار عنصر را در اهمیت کار ساعدی برشمرده است: «۱. چون روانشناس و روان‌پزشک بوده در اکثر داستان‌هایش روی روان آدم‌ها تاکید دارد. ۲. سفر او به خلیج فارس و آذربایجان داستان‌های او را قوی و پخته ساخته است. ۳. از آن‌جا که کتاب‌های مهم داستانی زیاد خوانده بود به خصوص کتاب‌های چخوف را، آثار او ارزشمند و قابل مطالعه است.

۴. در اتفاقات سیاسی زیاد شرکت کرده و همچنین رهبری بسیاری از روزنامه‌ها و مجله‌ها را بر عهده داشته است» (عمرانی، ۱۳۸۲: ۱۴ تا ۲۹).

در این مجموعه که هشت داستان به هم پیوسته است، اسم‌ها و رنگ‌ها و صحنه‌ها و شخصیت‌های موجود در آن در ارتباط با موضوع و هدف خاصی آمده‌اند. و از آن‌جا که هر جامعه با فرهنگ‌ها و باورها و عقاید و خیلی از آداب و رسوم خاص خود می‌تواند در نوشته‌های نویسنده‌اش منعکس شود، ضروری دانستم بر خود تا با پژوهش در این راستا هم فرهنگ و آداب و رسوم یک ملت را و هم باورها و عقاید یک جامعه را در برهه‌ای خاص، معرفی کنم. و نیز با تحلیل شخصیت‌ها و سایر عناصر داستانی، مضمون مورد نظر نویسنده و هم چنین هدف او را در آن روشن کنم. مسأله‌ی اصلی این است که این رمان از چه نوع است؟ خیالی، روانشناختی، اجتماعی، سیاسی، واقعی... و نیز نویسنده در این مجموعه چقدر به شیوه‌های داستان‌نویسی تعریف‌شده و به پایه‌های علمی و ساختاری داستان‌نویسی نزدیک شده است؟ و هم‌چنین جنبه‌های پنهانی این مجموعه رمان چه هدفی را دنبال می‌کند؟

در این پژوهش بر آنیم تا با تحلیل این مجموعه، به این پرسش‌ها و ابهامات پاسخ مناسبی بیابیم. تا اولاً ساعدی و هنر نویسندگی او را هر چه بیشتر معرفی کنیم. دوماً با تحلیل این مجموعه، راه برای تحلیل دیگر داستان‌هایش بازتر شود. سوم اینکه بسیاری از مشکلات و ابهامات موجود برای کسانی که در این زمینه کار می‌کنند بر طرف شود و راه برای کسانی که در حوزه‌ی تحلیل داستان کار می‌کنند هموارتر شود. چهارم اینکه پیام‌های اجتماعی و روانشناختی و فرهنگی و سیاسی موجود در این مجموعه را بیان کنیم.

۱-۳- سؤالات اصلی پژوهش

- ۱: ساعدی با نوشتن عزاداران بیل چه هدفی را دنبال می‌کرده؟
- ۲: اسم‌ها و رنگ‌ها در این مجموعه داستان چه رابطه‌ای با موضوع داستان دارند؟
- ۳: اوضاع سیاسی اجتماعی روزگار نویسنده بر عزاداران بیل چه اثری گذاشته است؟
- ۴: آیا روان‌شناس بودن ساعدی در داستان‌های او اثر گذاشته است؟
- ۵: مضامین اصلی این کتاب او، روی کدام محور می‌چرخد؟
- ۶: چه چیزی این اثر او را متمایزتر می‌کند؟

۴-۱- فرضیات پژوهش

ساعدی نویسنده‌ای پزشک و روان‌شناس بوده است به همین دلیل بیشتر روی روان شخصیت‌ها تأکید داشته است. بیشتر نوشته‌هایش جنبه‌ی روان‌شناختی دارد.

۵-۱- اهداف پژوهش

- ۱: شناخت هرچه بیشتر ساعدی از روی آثار او
- ۲: نقد روان‌شناسانه و ساختگرایانه عزادارن بیل
- ۳: تحلیل جنبه‌ها و زوایای پنهانی آثار او
- ۴: کشف پیام‌های اجتماعی و اهداف اصلی نویسنده
- ۵: دلایل قبول یا رد این مجموعه را در نزد خوانندگان روشن کردن.

۶-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

غلام‌حسین ساعدی از جمله معروف‌ترین نویسندگان زبان فارسی است. بنابراین شناخت آثار او جزء ضروریات می‌تواند باشد. مخصوصاً اگر این نویسنده روان‌پزشک باشد. تحلیل اثری از او هنر نویسندگی او را بیشتر آشکار می‌کند. همچنین با تحلیل این مجموعه هم با افکار نویسنده بیشتر آشنا می‌شویم و هم راه برای مطالعات تاریخی و هنری و اجتماعی در زمان معاصر هموارتر می‌شود و هم‌چنین تحلیل این اثر در شفاف کردن جنبه‌های پنهان این مجموعه و مشخص کردن اهداف آن به ما کمک می‌کند. و از پیام‌های اجتماعی و فرهنگی نویسنده ما را بهره‌مند می‌سازد.

۷-۱- پیشینه‌ی پژوهش

۱: رئالیسم جادویی در آثار غلام‌حسین ساعدی (حسین مسجدی):

مسجدی (۱۳۸۹): «در برخی از آثار ساعدی اعم از نمایشنامه و داستان، بیش از همه ویژگی‌های رئالیسم جادویی، و آفرینش موجودات وهمی و استحال‌های شخصیت‌ها مدنظر قرار گرفته است. برخی از وجوه این سبک در آثار برجسته‌ی او منعکس شده است. در این مقاله برای نخستین بار در نقد ادبی انواع گوناگون این موجودات و دگردیسی‌های انسانی بررسی می‌شود».

۲: بررسی تطبیقی رمان صد سال تنهایی و عزادان بیل (محمدعلی آتش سودا، اعظم توللی):

توللی و آتش سودا (۱۳۸۹): «این مقاله به بررسی تطبیقی رمان صدسال تنهایی گابریل گارسیا مارکز و عزاداران بیل غلام حسین ساعدی پرداخته است. در آثاری که به این سبک نوشته می‌شوند ترکیب واقعیت و رویا به صورتی انجام می‌گیرد که گویی این دو، جزء جدانشدنی هستند. در این دو اثر طبق شاخص‌های رئالیسم جادویی، مشکلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دو کشور ایران و کلمبیا با توجه به اسطوره‌ها و باورهای بومی، خرافه‌گویی و نوعی هراس ناشناخته در مواجهه با مدرنیسم توصیف شده است.» در این دو مقاله هرچند به موضوع تحقیق ما اشاراتی شده است و در مورد رئالیسم جادویی و محتوای داستان‌ها بحث‌های کلی صورت گرفته است اما تحلیل و بررسی عزاداران بیل به صورت کامل و جامع و پژوهش در این مورد به صورت همه جانبه تا به حال صورت نگرفته است.

۱-۸- مواد و روش‌شناسی پژوهش

روش ما در این تحقیق کتابخانه‌ای است. بدین صورت که ابتدا متن را بررسی کرده و کلیه مواردی را که در مورد موضوع ماست، از منابع مرتبط فیش‌برداری کرده و سپس آن‌ها را طبق موضوع دسته‌بندی کرده و شماره‌گذاری می‌کنیم و سپس در جای مناسب خود استفاده می‌کنیم. برای مثال: ابتدا با خواندن کتاب عزاداران بیل، تمام مواردی را که مرتبط با این مجموعه است یادداشت‌برداری کرده و سپس براساس اینکه مربوط به ساختار یا محتوا یا نثر و غیره... آن است، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و در جای خود مورد استفاده قرار می‌دهیم.

۱-۹- مبانی نظری

تعاریف

۱- داستان (Story): «داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمانی، مثلاً ناهار پس از چاشت و سه‌شنبه بعد از دوشنبه و تباهی پس از مرگ می‌آید و بر همین منوال. داستانی که واقعاً داستان باشد باید واجد یک ویژگی باشد: شنونده را بر آن دارد که بخواهد بداند بعد چه پیش خواهد آمد. و بر عکس ناقص است اگر کاری بکند که خواننده نخواهد بداند که بعد چه پیش خواهد آمد» (فورستر، ۱۳۶۹: ۴۲).

تعریف دیگری از داستان که آن را توصیف نمی‌کند بلکه تعریف می‌کند عبارت است از این‌که: «داستان روایتی است منشور از باز آفرینی وقایعی درباره اشخاص به گونه‌ای که موجد انتظار و صمیمیت باشد» (مستور، ۱۳۷۹: ۷).

۲- داستان کوتاه (shott story): درباره‌ی داستان کوتاه تعاریف زیادی بکار رفته است از جمله مصطفی مستور گفته: «داستان کوتاه، داستانی است کوتاه که در آن به قصد بیان پیامی واحد، شخصیت یا شخصیت‌هایی اصلی در واقعه‌ای واحد نشان داده می‌شوند» (مستور، ۱۳۷۹: ۱۲).

اما تعریف جامع‌تر را یونسی آورده: «داستان کوتاه اثری است کوتاه که در آن نویسنده به یاری یک طرح منظم شخصیتی اصلی را در یک واقعه اصلی نشان می‌دهد، و این اثر بر روی هم تأثیر واحدی را القا می‌کند» (یونسی، ۱۳۶۹: ۱۵).

۳- شخصیت (character): «اشخاص ساخته شده‌ای را که در داستان و نمایشنامه و... ظاهر می‌شوند شخصیت می‌نامند» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۸۳).

«شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه‌ی داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند» (همان: ۸۴).

شخصیت: «شخصیت در یک اثر نمایشی یا روایی فردی است دارای ویژگی‌های اخلاقی و ذاتی که این ویژگی‌ها از طریق آنچه که انجام می‌دهد و آنچه که می‌گوید نمود می‌یابد. شخصیت‌های داستانی با مجموعه‌ای از رفتار، گفتار و افکاری که توسط نویسنده بیان می‌شوند به وجود می‌آیند» (مستور، ۱۳۷۹: ۳۳).

- شخصیت ایستا (static character): «شخصیت ایستا، شخصیتی در داستان است که تغییر نکند یا اندک تغییری را بپذیرد. به عبارت دیگر، در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و حوادث داستان بر او تأثیر نکند یا اگر تأثیر بکند تأثیر کمی باشد» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۹۳).

- شخصیت پویا (Dynamic character): «شخصیتی است که یکریزه و مدام در داستان دستخوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او دگرگون شود» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۹۴).

- **شخصیت قالبی (Stereo type):** «شخصیت قالبی شخصیتی است که نسخه‌ی بدل یا کلیشه‌ی شخصیت دیگری باشد. شخصیت قالبی از خود هیچ تشخیصی ندارد. ظاهرش آشناست. صحبتش قابل پیش‌بینی است، نحوه‌ی عملش مشخص است و بر طبق الگویی رفتار می‌کند که ما قبلاً با آن آشنا شده‌ایم» (همان: ۹۶).

- **شخصیت قراردادی (stock character):** «شخصیت قراردادی افراد شناخته شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی سنتی و جاافتاده دارند. شخصیت قراردادی به شخصیت قالبی خیلی نزدیک است و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است» (همان: ۹۹).

- **شخصیت نوعی:** «شخصیت نوعی یا تیپ، نشان دهنده‌ی خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که او را از دیگران متمایز می‌کند. شخصیت نوعی نمونه‌ای است برای امثال خود» (همان: ۱۰۱). به عبارت دیگر اگر در داستانی شخصیتی نماینده‌ی قشر خاصی از افراد جامعه باشد، آن شخصیت نوعی است و تیپ نامیده می‌شود.

- **شخصیت فردی:** در مقابل شخصیت نوعی، شخصیت فردی قرار دارد. شخصیت فردی برخلاف شخصیت نوعی چند بعدی است، لایه‌لایه است، افکار و خیالات مخصوص به خود را دارد که در ابتدای داستان مشخص نیست بلکه با پیشرفت داستان، با لایه‌های مختلف شخصیت فردی و بی‌نظیر او آشنا می‌شویم که نظیر آن را در جامعه نمی‌یابیم: «شخصیت فردی موقع ورود به داستان از خود هویت مشخصی نشان نمی‌دهد. شخصیت به عنوان فرد، همیشه در حال تغییر است، به همین دلیل اعمال و احساس‌هایش مبهم، ضد و نقیض و در تیرگی فرو رفته‌اند» (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۹۱).

- **شخصیت‌های تمثیلی (allegorical characters):** «شخصیت‌های تمثیلی، شخصیت‌های جانشین شونده هستند، به این معنا که شخصیت یا شخصیت‌هایی جانشین فکر و خلق و خو و خصلت و صفتی می‌شوند. این نوع شخصیت‌ها دو بعدی هستند، بعد فکری و خصلتی که مورد نظر نویسنده یا گوینده بوده است و بعدی که در آن مجسم می‌شوند» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱۰۴).

۴- **موضوع (Subject):** «موضوع مفهومی است که داستان درباره‌ی آن نوشته می‌شود و رخدادهای داستان به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن مربوط می‌شود، پس، موضوع در یک متن داستانی از چنان

ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند کل مناسبات، شخصیت‌ها و رخداد‌های مهم و کم‌اهمیت داستان را حول خود سامان دهد. مفاهیمی چون جنگ، عشق، تنهایی، فقر، مرگ و... موضوع داستانی‌اند. موضوع آن سخن کلی است که نویسنده می‌خواهد درباره‌اش بحث کند. موضوع اصلی‌ترین نقطه‌ی تمرکز برای نویسنده و خواننده است» (بی‌نیاز، ۱۳۷۸: ۵۰).

در تأیید این تعریف: «موضوع هر داستان مفهومی است که داستان درباره‌ی آن نوشته می‌شود. موضوع به لحاظ ساختاری مانند پیکری است که اندام‌های داستان به آن مربوط‌اند و رویدادهای داستان، مستقیم یا غیر مستقیم باید به نحوی به آن مربوط باشند» (مستور، ۱۳۷۹: ۲۸).

۵- مضمون (Theme): «مضمون جهت‌گیری نویسنده را نسبت به زندگی و به طور اخص موضوع داستان نشان می‌دهد. از این رو نویسنده می‌تواند زندگی را زشت، زیبا، پوچ، با معنا، هدفمند، بی‌هدف یا س‌آور، امیدوار کننده، نشان دهد. به طور کلی درونمایه یک مصداق عینی نیست بلکه مضمونی کلی، عام و ذهنی است و از جایگاهی می‌تواند مصداق عینی خود را در روایت هم پیدا کند» (بی‌نیاز، ۱۳۷۸: ۵۲).

از آن‌جا که تعاریف دیگر با تعریف فوق فرق دارد ناگزیر از آوردن آن‌ها هستیم: «درونمایه داستان دیدگاه و جهت‌گیری نویسنده است نسبت به موضوع داستان. درحقیقت موضوع بر آن‌چه که هست دلالت می‌کند و درونمایه به آن‌چه که باید باشد اشارت دارد. نویسنده به کمک مضمون از مخاطبش می‌خواهد تا از دید او به موضوع داستان نگاه بیفکند. درونمایه‌ی هر داستانی عنصری است محتوایی و معطوف به میزان شعور و دریافت نویسنده از زندگی» (مستور، ۱۳۷۹: ۳۰).

- مضمون: «درونمایه فکر اصلی و مسلط در هر اثری است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. درونمایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند. به همین جهت است که می‌گویند درونمایه هر اثری جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۴). بنای ما در این تحقیق تعریفی است که از فتح‌الله بی‌نیاز ذکر کردیم.

۶- طرح (theplot): «طرح نقل حوادث است با تکیه بر موجیت و روابط علت و معلول. «سلطان مرد و سپس ملکه مرد» این داستان است. اما «سلطان مرد و پس از چندی ملکه از فرط اندوه درگذشت، طرح است. در این اینجا نیز توالی زمانی حفظ شده است لیکن حس سببیت بر آن سایه افکنده است»